

روش‌شناسی کتاب البرهان فی تفسیر القرآن

(تاریخ دریافت: ۹۵/۳/۱۲، تاریخ پذیرش: ۹۷/۲/۱۵)

محمود ابوترابی *

چکیده

کتاب البرهان فی تفسیر القرآن تألیف محدث بزرگ سید هاشم بحرانی، دایره‌المعارفی از روایات تفسیری است. تفسیر قرآن علم کشف مراد حق تعالی است که به دو روش کلان عقلی و نقلی قابل ارائه است. روش نقلی نیز خود به دو شیوه قرآن به قرآن و قرآن به روایات قابل عرضه است. مقاله حاضر با روش تحلیلی - توصیفی، در صدد پاسخ دادن به این پرسش است که مبانی، اصول و روش مورد توجه در گزینش روایات تفسیر البرهان و نقطه‌های قوت یا ضعف آن و دیدگاه‌های مهم این عالم بزرگ شیعی در مسائل برجسته چیست؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مؤلف تفسیر البرهان بنا بر روش اخباری خود مبنی بر موثق دانستن روایات به اعتبار مروی بودن در جوامع حدیثی و نگاه حکایت‌گری روایات به شأن و منزلت ولایی اهل بیت، در بیشتر موارد به اظهار وضعیت کمی احادیث در موضوعات خاص پرداخته‌اند و بسیار کم به بُعد کیفی و تحلیل درونی خیر رغبت نشان داده‌اند. بدین سبب، در خصوص دسته‌ای از روایات به سند و تعدد طرق نقل آن‌ها توجه و به اوصاف سندی همچون حسن یا تواتر جهت اعتبار و توثیق روایات پرداخته و در مورد دسته‌ای از روایات، به لحاظ محتوا و وجود تعارض بین آن‌ها، به جمع دلالتی مختصر اکتفا کرده‌اند.

واژگان کلیدی: سیدهاشم بحرانی، تفسیر البرهان، روش تحلیل، تفسیر، روایات تفسیری.

مقدمه

شیعه به یمن پیروی از پیامبر و عترتش به ویژه امیر مؤمنان، که پیامبر تفسیر قرآن و مجموعه علوم و معارف دریافتی از خدا را به او تعلیم می‌داد و توسط او، در اختیار یازده فرزندش به

*. استادیار گروه تفسیر و علوم قرآن دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی قم؛

عنوان اوصیای پیامبر نهاده شد، (ر.ک: صفار، ۱۴۰۴: ۱۹۷) از آغاز، به جایگاه تفسیر قرآن اعتنای کامل داشته است. واقعیت مسلم آن است که دانشمندان شیعه به دلیل وحیانی بودن مفاهیم قرآن و نکوهش تفسیر به رأی در توصیه اولیای الهی، تفسیر قرآن را با احتیاط بیشتر مورد توجه و مطالعه قرار داده‌اند و به سبب حضور طولانی عترت (حدود سه قرن) و دسترسی به حقیقت شریعت و تفسیر قطعی قرآن از طریق بیانات نورانی آنان، خود را محتاج جدی به اجتهاد شخصی منتهی به تفسیر به رأی نمی‌دیدند. لذا در سایه رهنمودهای صحیح و به حق اهل بیت از اصول و روش‌های باطل در تفسیر همچون رأی، قیاس و استحسانات و امور دیگر در امان ماندند. (ر.ک: حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۷، ۵۳) به همین سبب، تفاسیر روایی ماندگار از قلم علمای شیعه، علی‌رغم برخی مشکلات موجود، از کیفیت برتر و استحکام بیشتری برخوردارند. تفسیر البرهان در مقایسه با دیگر تفسیرهای حدیثی مانند تفسیر قمی، تفسیر نورالثقلین و ... از فراوانی روایات و ویژگی‌های مخصوص به خود برخوردار است. شناخت روش نقل و تعامل سندی و محتوایی این دانشمند حدیث‌گرا در تألیفات معارفی و تفسیری و محدوده و مقدار اعتنای او به منابع شیعه و اهل سنت می‌تواند پژوهشگران عرصه حدیث و قرآن را متوجه مبانی، روش و معیارهای مورد توجه او در گزینش روایات و نقطه‌های قوت یا ضعف آثار او کند. این نوشتار بر آن است تا با معرفی سید هاشم بحرانی و روش تفسیری وی به عنوان یکی از تفاسیر روایی برجسته از دانشمندان متأخر شیعه با مشرب اخباری (ر.ک: بهشتی دامغانی، ۱۳۹۰)، به این مهم جامه عمل بپوشاند.

بحث و بررسی

۱- سید هاشم بحرانی و تفسیر البرهان

نسب سید هاشم بحرانی^۱ به سید مرتضی و از سید مرتضی به امام موسی کاظم (علیه السلام) می‌رسد. وفات او در سال ۱۱۰۷ هجری رخ داد. (افندی اصفهانی، ۱۴۰۱: ۵، ۲۹۸) در کتب تراجم از او با القاب بسیار برجسته‌ای یاد شده است.^۲ در مقام قدس و

۱. سید هاشم بن سید سلیمان بن سید اسماعیل بن عبدالجواد بن علی بن سلیمان بن ناصر حسینی توبلی کتکتانی؛ کتکتانی، یکی از قریه‌های بخش توبلی از کشور بحرین است که مدفن او هم در آنجاست و بر قبرش امروزه مزار بزرگی برپا و معروف است (بحرانی، ۱۴۱۳: ۱، ۷، مقدمه تحقیق).

۲. به ترتیب در توصیف او می‌گویند: «السید هاشم بن سلیمان ... فاضل عالم ماهر مدقق فقیه عارف بالفسیر و العربية و الرجال» (حر عاملی، ۱۳۸۵: ۲، ۳۴۱)، «الفاضل الجلیل المحدث الفقیه المعاصر الصالح الورع العابد الزاهد المعروف بالسید هاشم العلامة من اهل البحرین» (افندی اصفهانی، ۱۴۰۱: ۵، ۲۹۸ و ۲۹۹).

تقوایش صاحب جواهر الکلام می‌نویسد: «اگر معنای عدالت، ملکه‌اش مراد باشد نه حسن ظاهر، علم به عدالت شخص در غیر امثال مقدّس ملاً احمد اردبیلی و سید هاشم بحرانی امکان‌پذیر نیست.» (نجفی، ۱۳۹۲: ۱۳، ۲۹۵)

تألیفات وی بالغ بر ۷۵ کتاب است که مفصل‌ترین آنها مدینه المعجز و البرهان فی تفسیر القرآن است. این تفسیر به شمارش نگارنده، بر اساس نسخه مطبوع موسّسه الاعلمی للمطبوعات بیروت مشتمل بر ۱۲۵۳۱ حدیث است. مباحث مقدّماتی مشتمل بر ۲۲۲ روایت و فضیلت سوره‌ها ۵۱۳ و تفسیر تمام سوره‌ها ۱۱۷۵۳ و در نهایت، خاتمه کتاب حاوی ۴۳ حدیث است.

نکته برجسته در تمام تألیفات مرحوم بحرانی گرایش حدیثی اوست؛ به طوری که وی روگردانی مفسران از روایات اهل بیت عصمت در تفسیر را سبب نگارش تفسیر البرهان ذکر می‌کند: «من توجه فراوان مردم عصر خود را به تفاسیری یافتم که نویسندگان آن از اهل عصمت روایت نکرده‌اند؛ همان کسانی که تنزیل و تأویل قرآن در خانه‌هایشان تحقّق یافت و علم و دانش آن را به ایشان داده‌اند و بس. لذا هر چه از آنان رسیده باشد، نور و هدایت و آنچه از غیر ایشان باشد، ظلمت و گمراهی است. به همین سبب، من که قبلاً در کتاب الهادی و مصباح النادی روایات فراوان از اهل بیت را جمع‌آوری کرده بودم، به روایات فراوان دیگر در تفسیر عیاشی و بزرگان دیگر دست یافتم و آن را با این اضافات در تفسیری به نام البرهان فی تفسیر القرآن گرد آوردم.» (بحرانی، ۱۴۱۹: ۱، ۱۰)

۱-۱- معرفی نشر و نسخه‌های خطی

چند نسخه خطی از تفسیر البرهان در کتابخانه‌های ایران موجود است که از آن میان به یک نسخه در کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه تهران به شماره ۲۹۴۸ تحریرشده به سال ۱۱۱۴ هجری قمری و یک نسخه دیگر در کتابخانه آستان قدس رضوی به خط نسخ به شماره ۱۴۳۴۴ که مشتمل بر مقدمه تا آخر سوره کهف است و تحریرشده به سال ۱۲۶۲ می‌باشد، می‌توان اشاره کرد. نسخه دیگری در کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری به خط نسخ به شماره ۲۰۵۷ مکتوب به سال ۱۲۶۸ موجود است. اما نسخه‌های چاپ سنگی و حروفی تفسیر البرهان به شرح ذیل است:

- ۱- چاپ سنگی، با خط نسخ، سال ۱۲۹۵ و ۱۳۰۲ هـ در چهار مجلد رحلی.
- ۲- چاپ سنگی، در حاشیه تفسیر قمی، سال ۱۳۱۵ هـ تهران و ۱۳۴۴ هـ در چهار مجلد رحلی.

۳- قم، مطبعة العلمية، ۱۳۹۳ هـ و قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ هـ در پنج مجلد رحلی.

۴- چاپ دوم: تهران، چاپخانه برادران علمی، ۱۳۷۵ هـ در دو مجلد رحلی در ۱۱۷۸ صفحه.

۵- چاپ اول حروفی در تهران، بنیاد بعثت و تهران کتابفروشی اسلامیة، در پنج مجلد رحلی در ۷۵۲ صفحه رحلی.

۶- منقح‌ترین نسخه چاپ بیروت، مؤسسه الرسالة، ۱۴۰۳ هـ

۷- چاپ در مؤسسه البعثه قم، در ده مجلد، به سال ۱۴۱۹ هـ

۸- نسخه‌ای که این مقاله بر اساس آن تألیف شده است، چاپ مؤسسه الاعلمی للمطبوعات بیروت است که به سال ۱۴۱۹ هجری قمری منتشر شده است. این نسخه همراه با مقدمه تفسیر البرهان المسماة بمرآة الأنوار و مشکوة الأسرار تألیف عالم جلیل أبی‌الحسن بن محمدطاهر عاملی از اعلام قرن دوازدهم، که به شکل مستقل در مجلد صفر در قریب به ۶۰۰ صفحه و اصل کتاب در هشت مجلد به زیور طبع مزین گردیده است.

اینک به روش سید هاشم بحرانی در نقل روایات و شیوه تعاملشان با سند و محتوای روایات می‌پردازیم:

۲- روش استفاده از منابع در تفسیر البرهان

مؤلف گران‌قدر در مطلب ۱۶ از مطالب مقدماتی، ۴۳ کتاب را به عنوان مأخذ یاد (بحرانی، ۱۴۱۹: ۱، ۷۵) و به اشاره، متذکر بهره‌گیری از کتاب‌هایی دیگر شده که بر اساس جستجوی نگارنده، تعداد آن‌ها به ۵۶ مأخذ بالغ می‌شود. متأسفانه در مواردی نویسنده، نام مؤلف کتاب را یا نوشته مثل کتاب *بستان الواعظین* (بحرانی، ۱۴۱۹: ۲، ۸۱۵ و ۳، ۵۱۴ و ۴، ۳۹۱ و ۷۳۰ و ۵، ۲۰۰) یا در حد نام خانوادگی یا شهرت و القاب کنایی یاد کرده است؛ مانند کتاب *رجعة السید المعاصر* (بحرانی، ۱۴۱۹: ۴، ۲۲۹) یا *لبعض السادة المعاصرين* (بحرانی، ۱۴۱۹: ۴، ۱۶۹) ولی با این وصف، علامه بحرانی در استفاده از منابع، ارائه و نقل روایات روش ویژه‌ای را اتخاذ کرده است:

۲-۱- شیوه آدرس دهی منابع

مؤلف معمولاً در ابتدا نام مأخذ یا نام نویسنده آن را ذکر و سپس به نقل سند و روایت اقدام و اگر اخبار بعدی از همان منبع باشد، بدون تکرار نام با تعبیر «و عنه» از آن

روایت می‌کند. در موارد کمی حتی آن تعبیر را بیان نمی‌کند. (بحرانی، ۱۴۱۹: ۲، ۳۶۰-۳۶۵ با ۱۵ حدیث)

۲-۲. استفاده از تفاسیر متقدمان

مصنّف از تفاسیری همچون تفسیر امام حسن عسکری، قمّی، عیاشی، مجمع البیان، جوامع الجامع، کشّاف زمخشری، فرات کوفی و ابن‌ماهیاری و ... بهره فراوان گرفته است. نکته قابل ذکر آن که مصنف تقریباً تمام اخبار تفسیر امام حسن عسکری، تفسیر عیاشی (۹۲٪ بر اساس آمار نویسنده مقاله) و تفسیر قمّی و کمی از تفسیر فرات را در تفسیر البرهان گرد آورده است.

۳-۲. استفاده از منابع روایی و غیره

نتیجه جالب توجه آن که مؤلف در تفسیر آیات، خود را محدود به کتاب‌های تفسیر نکرده و از جوامع حدیثی و غیرحدیثی شیعه و اهل سنت استفاده کرده است. از باب نمونه از جوامع حدیثی مانند کتاب‌های شیخ طوسی (ره): التهذیب، الاستبصار، الأمالی؛ اکثر کتاب‌های شیخ صدوق (ره)، کتاب‌های شیخ مفید: الارشاد، الأمالی، الاختصاص و کتاب‌هایی مانند الکافی مرحوم کلینی، مناقب ابن شهر آشوب مازندرانی، کامل الزیارات ابن قولویه، مصباح الشریعه منسوب به امام صادق و کتاب الطرائف سید بن طاووس (بحرانی، ۱۴۱۹: ۳، ۴۱۷)، الهدایة خصیصی (بحرانی، ۱۴۱۹: ۴، ۵۲۳)، الاربعین عن الاربعین عبدالرحمن نیشابوری (بحرانی، ۱۴۱۹: ۶، ۵۰۸)، حلیة الاولیاء ابونعیم اصفهانی (بحرانی، ۱۴۱۹: ۷، ۱۳۶)، دلائل الامامة (مسند فاطمة) محمد بن جریر طبری، صحیح مسلم (بحرانی، ۱۴۱۹: ۲، ۵۰)، صحیح بخاری (بحرانی، ۱۴۱۹: ۷، ۸۷)، سنن ترمذی (بحرانی، ۱۴۱۹: ۸، ۳۴۳)، فضائل الصحابة عبدالله بن احمد بن حنبل (بحرانی، ۱۴۱۹: ۷، ۸۶) و مناقب الامام علی ابن مغازلی شافعی (بحرانی، ۱۴۱۹: ۲، ۵۲) و دیگر کتب استفاده نموده است.

۳- روش نقل روایات در تفسیر البرهان

۱-۳. نقل تمام روایات مرتبط با آیه

روش کلی نویسنده تفسیر آن است که تمام اخبار مربوط به هر آیه را حسب ترتیب آن در سوره، از منابع مهم گرد آورده و ارائه کند. در آغاز هر سوره به نقل روایات بیان‌گر فضیلت قرائت و جایگاه سوره و نیز خواص آن پرداخته و بعد از نقل اخبار تفسیری،

روایات فضل بعضی از آیات مشهور به نام‌های ویژه را آورده است؛ برای مثال در آغاز سوره حمد با عنوان «ثواب [قرائت] سوره فاتحة الكتاب و فضل آن و در بیان آیه بودن بسملة و فضل آن» با ۳۴ حدیث و بهره‌گیری از نه منبع مختلف (بحرانی، ۱۴۱۹: ۱، ۹۹) و نیز تحت عنوان «باب فضل آیه الكرسي» با نقل نه روایت از شش منبع، فضل آن را بیان کردند. (بحرانی، ۱۴۱۹: ۱، ۵۳۹)

۳-۲. اعتبار گزینش و چینش منابع

از بعد روشی، مفسر حسب اولویت و اهمّیت منابع یا اعتبار سندی روایات، با توجه به گرایش اخباری خویش اقدام به گزینش و نقل کرده است. از باب نمونه اگر در تفسیر آیه‌ای از تفسیر امام عسکری، کافی، تفسیر قمی، تفسیر عیاشی و مجمع‌البیان اخباری وجود داشته، عموماً به همین ترتیب آن‌ها را نقل کرده و منابع دیگر در مراتب بعدی جای گرفته‌اند و بعد از نقل روایات از منابع شیعی، به نقل روایات از کتاب‌های اهل تسنن می‌پردازد. مؤلف در آغاز مقدمه‌اش به ملاک نقل روایت از منابع آنان اشاره می‌کند: «و چه بسا در مواردی از ابن عباس به اعتبار شاگردی امیر مؤمنان و از طریق جمهور در صورت موافقت مضمونی با روایات اهل بیت یا در فضل اهل بیت بودن نقل کرده‌ایم» (بحرانی، ۱۴۱۹: ۱، ۱۰) ناگفته نماند مؤلف بخش فراوانی از احادیث جمهور را به نقل از کتاب مناقب ابن شهر آشوب مازندرانی روایت کرده است. (بحرانی، ۱۴۱۹: ۱، ۵۵۲)

۳-۳. ملاک نقل روایات مشابه

صاحب البرهان گرچه ملاکی را در نقل اخبار مشابه یا متحد در سند در مقدمه یا جای دیگری ذکر نکرده است، اما آنچه با بررسی و دقت به دست می‌آید، آن است که ملاک آن، تعدد و اختلاف منبع است؛ از باب مثال در تفسیر آیه ۸۹ سوره یونس ﴿قَالَ قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا﴾، از کافی، تفسیر عیاشی، اختصاص شیخ مفید و تفسیر مجمع‌البیان این مضمون را از امام صادق (علیه السلام) جدا جدا، روایت کرده است: «اجابت عملی دعای حضرت موسی و هارون بعد از چهل سال بوده است.» (بحرانی، ۱۴۱۹: ۴، ۴۸) یا در تفسیر آیه هفتم سوره هود با همین روش مؤلف مواجه می‌شویم.

۴- توضیح، تحلیل و نقد مؤلف بر روایات

در یک نگاه کلی و قضاوت عامّ می‌توان گفت مؤلف تفسیر در موارد قلیلی به تحلیل

و نقد کوتاه و مختصر اقدام کرده‌اند؛ البته گاهی ایشان، اظهارات مؤلف کتاب منبع را درباره حدیث مروی نقل می‌کند که در راستای هدف و انگیزه نقل روایت است و مجموع اظهارات نویسنده در تحلیل سندی و محتوایی روایات در سراسر تفسیر گسترده البرهان از بیست مورد بیشتر نمی‌شود.

۴-۱- توضیح شیوه نقل روایت

مراد از توضیح کلی در ذیل روایات، آن است که مؤلف در موارد نسبتاً فراوان می‌نویسد: ما این حدیث را قبلاً در ذیل آیه فلان آوردیم یا در آینده در فلان مکان آن را یا بخش دیگر از آن را [به شکل تقطیع شده] خواهیم آورد یا با تعبیر مشابهی آن را حکایت می‌کند. از باب مثال در انتهای نقل روایات مربوط به آیه ۷۸ سوره انعام می‌گوید: «ستأتی - ان شاء الله تعالی - الروایات فی ذلک فی قوله تعالی ﴿وَوَقَّلَبْكَ فِی السَّاجِدِینَ﴾ (شعراء/۲۱۹)» (بحرانی، ۱۴۱۹: ۳، ۵۷، انتهای حدیث ۲۵) یا در ذیل آیه ۱۳۳ بقره تعبیر می‌کند: «و سیأتی بهذا المعنی حدیث فی قوله تعالی ...» و در انتهای روایات مربوط به آیات ۱۸۴-۱۸۵ آل عمران می‌نویسد: «قلت: قد تقدّمت روایات فی الایة فی قوله تعالی ...» (بحرانی، ۱۴۱۹: ۲، ۱۴۰) یا به عللی حدیث را تقطیع کرده، نقل تمام آن را به بعد وعده می‌دهد: «و سیأتی - ان شاء الله تعالی - تمامه فی قوله تعالی ...» (بحرانی، ۱۴۱۹: ۲، ۱۴۰) گاهی نیز تفسیر و توضیح از موضوعی را به ذیل آیه‌ای در سوره دیگر ارجاع می‌دهد: «و سیأتی - ان شاء الله تعالی - تفسیر الصور و النسخ فیه فی سورة الزمر» (بحرانی، ۱۴۱۹: ۳، ۴۳) یا «و سیأتی - ان شاء الله تعالی - فی صفة الجنة و الحور العین فی قوله تعالی: ﴿هَآؤُمْ أَقْرَبُ کِتَابِیْهِ﴾ (الحاقه/۲۳)». (بحرانی، ۱۴۱۹: ۵، ۲۷۴)

۴-۲- تحلیل سندی روایات

در مواردی نه چندان کم، مؤلف به توضیح و تحلیل سندی روایات پرداخته‌اند. عموماً مؤلف از جنبه فراوانی یک روایت یا کثرت نقل آن در جوامع روایی فریقین در صحت و حسن یا تواتر سند بهره جسته‌اند. اینک چند نمونه:

۱- در ذیل آیه ۸۳ بقره: ﴿وَ إِذْ أَخَذْنَا مِیثَاقَ بَنِی إِسْرَءِیْلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدِینَ إِحْسَانًا وَ ذِی الْقُرْبَىٰ وَ الْیَتَامَىٰ وَ الْمَسَکِینَ وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَ أَقِمْوُا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّیْتُمْ إِلَّا قَلِیْلًا مِّنْكُمْ وَ أَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ﴾، بعد از نقل ۲۱ روایت در توضیح از آیه شریف می‌نویسد: «قال مؤلف الكتاب: الحدیث اختصرناه من کلام الامام العسکری

فی تفسیره و هو حدیث حسن فلتقف علیه من هناك.» (بحرانی، ۱۴۱۹: ۱، ۲۶۸)
 مؤلف به توصیف سندی حدیث پرداخته و آن را به حسن بودن توصیف کرده است؛
 مشابه تحلیل سندی مذکور را از روایت آمده در ذیل آیه ۷۵ سوره انعام: ﴿وَكَذَلِكَ
 نُرَىٰ إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَيَكُونَنَّ مِنَ الْمُوقِنِينَ﴾ بعد از نقل حدیث
 ۱۲ شاهدیم: «و الحدیث طویل، تقدّم بتمامه فی قوله تعالی ﴿وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ
 بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ﴾ (بقره/۱۲۴) و هو حدیث حسن.» (بحرانی، ۱۴۱۹: ۳، ۵۱)

مؤلف البرهان در مورد دیگر در تحلیل صحت سند به شهرت روایت تمسک کرده
 است. در سوره نور ذیل آیه یازدهم بعد از نقل قصه «افک» در نگاه شیعه و متهم شدن
 «جریح» غلام پیامبر به ارتباط سوء با یکی از همسران پیامبر، بیان می‌دارد: «قصه
 جریح مع امیرالمؤمنین و ارسال رسول الله لیقتله، ذکرة السید المرتضی فی کتاب الغرر
 و الدرر^۱ و فسّر ما یحتاج الی تفسیره فی الخبر و هذا یعطی ان الحدیث من مشاهیر
 الاخبار.» (بحرانی، ۱۴۱۹: ۵، ۳۷۲)

مفسر بحرانی اولاً به تحلیل سید مرتضی و ثانیاً به مشاهیر اخبار بودن اکتفا کرده و به
 نارسایی محتوای برخی فرازهای آن، به عنوان نمونه: عجله در قضاوت بدون مدرک و
 عدم اطلاع رسول خدا از ممسوح^۲ بودن خادمش اشاره‌ای نکرده است.

۲- علامه بحرانی در ذیل آیه اکمال دین (مائده/۳) بعد از روایت بیست می‌نویسد:
 «قلت: تقتصر علی ما ذکرناه مخافة الاطالة و اخبار قصّة الغدیر متواترة عند الفریقین:
 المخالف و المؤلف.» (بحرانی، ۱۴۱۹: ۲، ۳۹۵) مؤلف تفسیر برهان بعد از نقل اخبار
 فراوان مشتمل بر حوادث روز غدیر از علمای شیعه و سنی و نقل کامل خطبه غدیر
 رسول الله از ابوعلی محمد بن احمد بن علی معروف به ابن الفارسی از کتاب روضة
 الواعظین وی (بحرانی، ۱۴۱۹: ۲، ۳۸۹-۳۷۶؛ فتال نیشابوری، بی تا: ۱، ۸۹-۹۹)، به
 تواتر روایات واقعه غدیر نزد دانشمندان مخالف و موافق تصریح می‌نماید. لکن بار دیگر
 در تقویت سند و محتوای حدیث از سبط ابن جوزی حنفی به تعبیر مؤلف، «شیخ السنة»
 نقل می‌کند: «دانشمندان سیره‌نویس بر اینکه حادثه غدیر در بازگشت رسول الله از
 حجةالوداع در هیجدهم ذی‌الحجه در جمع صحابه و در جمع بالغ بر یکصد و بیست

۱. تفسیر الشریف المرتضی علم‌الهدی الموسوم بأمالی التفسیر أو مجالس التأویلات أو الغرر و الدرر (تهرانی،
 ۱۴۰۸: ۴، ۳۱۴).

۲. رجل ممسوح: إذا سبّت مذاکیرہ (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲، ۵۹۳).

هزار نفر بوده و بر اینکه پیامبر فرمود: من کنت مولاہ فعلی مولاہ، اتفاق نظر دارند.» (بحرانی، ۱۴۱۹: ۲، ۲۴۴؛ ر.ک: ابن‌الجوزی، بی‌تا: ۳۰) سپس بیانی را از ابن‌شهر آشوب نقل کرده است که نام بیش از سی نفر از بزرگان اهل سنت در آن آمده که حادثه غدیر را نقل یا کتاب‌هایی در آن نوشته و طرق فراوان نقل آن را گردآوری کرده‌اند: «و قد صنّف علی بن هلال المَهَلَبی کتاب العَدِیر و احمد بن محمد بن سعید کتاب مَنْ رَوَى خَبَرَ غَدِیرِ خَمٍّ و ابن جریر الطبری کتاب الولاية و هو کتاب غدیرِ خَمٍّ و ذکر فیہ سبعین طریقاً و مسعود السّجّزی کتاباً فی رواة هذا الخبر و طُرُقُه.» (بحرانی، ۱۴۱۹: ۲، ۳۹۶) آنگاه مؤلف در جهت تأکید مطلب، بعد از نقل سخن فوق، خواننده را به کتاب اقبال و طرائف ابن طاوس ارجاع می‌دهد و از طرائف به نقل ابن‌شهر آشوب از جدش می‌نویسد: «از ابوالمعالی جوینی شنیدم با شگفتی می‌گفت: در بغداد، یک جلد کتابی را در دست صحافی درباره روایات غدیر دیدم که بر جلدش نوشته شده بود: مجلد بیست و هشتم در طرق قول رسول الله من کنت مولاہ فعلی مولاہ، که مجلد بیست و نهم در پی آن خواهد آمد.» (بحرانی، ۱۴۱۹: ۲، ۳۹۷)

۳- در استشهاد دیگر به متواتر بودن روایات در شرح و تفسیر آیه دهم سوره حجرات می‌نویسد: «التشاغل بذكر احادیث المؤاخاة بین الصحابة و کون علی (علیه السلام) أخوا رسول الله (صلی الله علیه و آله) يطول بها الكتاب و هی بین الفریقین متواترة» نکته قابل توجه، عنایت مفسر به فضیلت امام علی در آن روایات و شناساندن مقام ولایی و الهی برادر نبی مکرم اسلام است. چون در حدیث اول آمده است: «حتى آخی بین أصحابه أجمعهم علی قدر منازلهم» و در دو روایت دیگر، یکی از امالی شیخ طوسی و دیگری از مناقب ابن مغزلی، نیز تعبیر «و کان یؤاخی بین الرجل و نظیره» مشاهده می‌شود. البته مراد از نظیر و هم‌منزلت بودن در کلام توضیحی حذیفه به عنوان یکی از صحابی برجسته از سخن رسول اکرم در نقل ابن مغزلی آمده است: «رسول الله سید المرسلین و إمام المتقین و رسول رب العالمین الذی لیس له [فی الأنام] شیهة و لا نظیر و علی أخوه.» (بحرانی، ۱۴۱۹: ۲، ۲۶۱)

۴- ذیل آیه سوم سوره توبه: ﴿وَأَذَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ... وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾، بعد از نقل احادیثی از طریق اهل سنت و بیانات پیامبر در شأن امام علی می‌نویسد: «انظر الی ما ترویه العامة

بعین الانصاف، حیث عرفوا الحقّ و فضل اهل البیت و ترکوا الاعتساف.^۱» و در انتهای نقل اخبار مربوطه نوشته است: «و الروایات فی ذلك اکثر من أن تُحصی اقتصرنا علی ذلك مخافة الاطالة.» (بحرانی، ۱۴۱۹: ۲، ۳۷۰-۳۷۱) روایات فراوان به شان نزول آیه اشاره دارند که به فرمان حضرت حق تعالی، پیامبر خاتم، ابوبکر را از مأموریت ابلاغ آیات برائت نسبت به مشرکان عزل و حضرت علی را جهت ابلاغ منصوب کردند. این قصه نزول در کتب اهل سنت با اسناد صحیح روایت شده است. (ر.ک: ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۴، ۹۰؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۳، ۲۰۹؛ زحیلی، ۱۴۱۸: ۱۰، ۹۷) مشابه تعبیر تحلیل گرانه مذکور را در توضیح آیه ۳۸ و ۳۷ سوره کهف از مؤلف بعد نقل روایتی در احتجاج امام علی با ابوبکر در مسئله غضب خلافت مشاهده می کنیم: «ما رواه اصحاب الحدیث و الروایات فی هذا المعنی کثیرة اقتصرنا علی ذلك مخافة الاطالة.» (بحرانی، ۱۴۱۹: ۵، ۳۷) به نظر می رسد نزد مؤلف، کثرت نقل مضمون داستان، جابر ضعف صحت سند روایات به شمار می آید.

۵- مؤلف در تفسیر آیه اول اسراء ﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى ...﴾ احادیث فراوانی را درباره معراج پیامبر روایت کرده اند. در برخی از آن احادیث، قضیه وجوب «پنجاه» نماز بر امت پیامبر اسلام و اشاره حضرت موسی به رسول اسلام که از خداوند تخفیف آن را برای امت خود بخواه که نهایتاً در حد پنج نماز تثبیت شد، نقل و می فرماید: «رجوع الخمسين صلاةً الى خمس صلواتٍ بشفاعة موسى عليه السلام فی خبر الاسراء متکرّر فی احادیث خبر الاسراء، اقتصرنا علی ما آوردنا مخافة الاطالة.» (بحرانی، ۱۴۱۹: ۴، ۵۱۴) استناد مؤلف در بیان تصحیح سند روایات به تعبیرهایی همچون «اکثر من أن تُحصی» و «الروایات فی ذلك کثیرة» در چند موضع دیگر آمده است. (بحرانی، ۱۴۱۹: ۵، ۴۴۵؛ ۷، ۲۱۶، ۴۸۵ و ۵۰۰؛ ۸، ۱۰۳)

۴-۳- تحلیل و نقد محتوا

سید هاشم بحرانی در موارد کمی به تحلیل محتوایی پرداخته و راهکارهایی را جهت برون رفت از تعارض بین روایات ارائه کرده اند. اینک چند نمونه بیان می شود:

۱- نویسنده ذیل آیه ۴۷ و ۴۸ بقره ﴿يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ كُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ

۱. اَعْتَسَفَ اِعْتِسَافًا [عسف] الطريق: بدون راهنمایی از بیراهه رفت، اعتسّف الأَمْرُ: بی اندیشه و بی تدبیر دست به آن کار زد، اعتسّف عن الطريق: از راه برگشت و منصرف شد، اعتسّف فلاناً: به فلانی ستم کرد یا فلانی را به کار گمارد (مهیار، بی تا: ۹۳).

وَ أَنِي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ وَ اتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَ لَا يَقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةً وَ لَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَ لَا هُمْ يَنْصُرُونَ»^۱، بعد از نقل برخی روایات که «نعمت» و «شفاعت» را بر «نعمت ولایت» و «شفاعت محمد و آل محمد» تطبیق فرمودند، در دفع این شبهه مقدر که آیه درباره بنی اسرائیل است و این دسته روایات درباره ولایت و شفاعت محمد و آل محمد است، می‌نویسد: «قال مؤلف هذا الكتاب: لامنافاة بين التفسيرين في بنى اسرائيل، بحمل احد التفسيرين على الظاهر و الآخر على الباطن.» (بحرانی، ۱۴۱۹: ۱، ۲۱۳) مورد فوق، بحث اعتقادی - کلامی، مسئله ولایت و شفاعت پیامبر و آل پیامبر قبل آفرینش آدم و عالم تا پایان جهان را در بر دارد. مفسر، تعارض دلالی روایات را با حمل دسته‌ای از روایات بر ظاهر آیه یعنی بنی اسرائیل و حمل دسته دیگر بر جنبه باطنی آیه رفع کرده است.

۲- روایات تفسیری ذیل آیه هشتم سوره نساء ﴿وَ إِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينُ فَارْزُقُوهُمْ مِنْهُ وَ قُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾^۲، حسب دلالت دو دسته‌اند: دسته‌ای دستور پرداخت و مساعدت به خویشان و یتیمان و مساکین در حین تقسیم ارث را واجب می‌دانند و دسته دیگر دلالت بر استحباب دارند. مؤلف در رفع تعارض و جمع بین آن دو دسته می‌نویسد: «يمكن الجمع بين روايتي النسخ و عدمه بحمل رواية النسخ على نسخ و جوب الاعطاء و بحمل رواية عدم النسخ على جواز الاعطاء و استحبابه فلاتنافي بين الروایتين على هذا التقدير و الله اعلم.» (بحرانی، ۱۴۱۹: ۲، ۱۷۳)

همچنین در مواردی اندک مؤلف از اجتهاد دیگران در تقویت تحلیل خود بهره جسته است. برای مثال در این مورد ابتدا به سخن امین الاسلام طبرسی استشهد کرده و می‌نویسد: «اختلف الناس في هذه الآية على قولين: أحدهما أنها محكمة غير منسوخة. قال: و هو المروى عن الباقر» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳، ۱۹) و سپس به بیان محمد شبیبانی در نهج البیان اشاره می‌کند که می‌گوید: «و قال قوم إنها ليست منسوخة. يُعطى مَنْ ذَكَرَهُمُ اللهُ عَلَى سَبِيلِ النَّدْبِ وَ الطَّعْمَةِ. قال: و هو المروى عن الباقر و الصادق» (شبیبانی، ۱۴۱۳: ۲، ۱۲۱) آن‌گاه می‌نویسد: «قلت: و هذه الرواية عن الباقر و الصادق تؤيد ما ذكرناه من الحمل بأن الآية محكمة غير منسوخة و يعطون على سبيل النذب و الطعمة و رواية النسخ ناسخة و جوب اعطائهم بأية الميراث.» (بحرانی، ۱۴۱۹: ۲، ۱۷۴) اولاً کار کم‌نظیری در این مورد، از صاحب البرهان مشاهده شد. ایشان در تقویت نظرش در جمع دلالی برای رفع تعارض روایات از کلام دیگران مثل مرحوم طبرسی

و محمد شیبانی بهره گرفته است. ثانیاً گویا استشهاد به کلام آن دو به اعتبار تکیه آن دو بزرگوار به روایت مروی از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) بوده، نه به اعتبار برداشت شخصی و اجتهادی آن دو. ثالثاً این خود شدت حدیث‌گرایی مؤلف را در تفسیر حکایت می‌کند.

نتیجه‌گیری

مؤلف تفسیر البرهان به عنوان مفسری که مشرب اخباری دارد، با نگاه حکایت‌گری روایات به شأن و منزلت ولایی اهل بیت، در غالب موارد به اظهار وضعیت کمی احادیث در موضوعات خاص پرداخته و کمتر به بُعد کیفی و تحلیل درونی خبر عنایت نموده است. لذا مرحوم بحرانی، نسبت به قریب به اتفاق روایات، هیچ‌گونه اظهار نظری ارائه نداشته است و در خصوص روایاتی به سند و تعدد طرق نقل آنها توجه و به اوصاف سندی همچون حسن یا فراوانی (استفاضه) یا شهرت یا تواتر جهت اعتبار و توثیق روایات تمسک جسته است. در مورد دسته دیگر از روایات، با توجه به محتوا و مشاهده تعارض بین آنها، جمع دلالی نموده است. در نهایت، نتایج حاصل از بررسی کمی و کیفی و صوری و محتوایی روایات در تفسیر البرهان به شرح ذیل است:

۱- مؤلف فقط در مقام جمع اخبار نبوده، بلکه تا حدودی به مضامین روایات هم توجه داشته است.

۲- در مقام اظهار نظر، توجه ایشان به جنبه کمی بیشتر از کیفی و محتوایی بوده یا به عللی بنای جدی اظهار نظر در ارتباط با بُعد کیفی روایات نداشته است و این نوعی نقص در تفاسیر روایی محسوب می‌شود.

۳- مؤلف در نقل اخبار اسرائیلی یا اخبار با مضامین دارای مشکل با اصول اعتقادی به اظهار نظر نپرداخته است؛ حتی در ارتباط با حادثه افک، ایشان به بُعد کمی و شهرت خبر اشاره کرده و اصلاً به محتوا و تعارض آن با مقام عصمت و شأن نبی گرامی اسلام و دیگر مشکلات مندرج در روایات متعرض نشده است؛ زیرا در صورتی که بنای مؤلف بر اظهار نظر بود، به طور قطع شایسته‌تر آن بود که در کنار ابراز عقیده در ارتباط با سند اخبار یا کثرت طرق نقل آنها، به تحلیل محتوا عنایت بیشتری نشان دهد.

۴- چون روش و بنای مؤلف جمع‌آوری اخبار اهل بیت بوده که در مقدمه به آن اشاره کرده است، لذا تمام اسناد روایات را کامل و بدون اختصار، مطابق با مآخذ آورده و متأسفانه در قبال سندهایی که در خود مآخذ و منبع، محذوف یا مختصر بودند، هیچ

نظر صریحی بیان نکرده و با توجه به سخن ایشان درباره بیانات تفسیری علی بن ابراهیم در تفسیر مشهور به تفسیر قمی که آن را تماماً «خبر» تلقی نمودند، باید گفت: مؤلف، اخبار آحاد و نصوص قدیم را عموماً معتبر می‌دانسته و شاید بدین سبب، اظهار نظر جدی و صریحی از او در سراسر این تفسیر در ضعف سند یا منبع، مگر در موارد بسیار کم (قریب به بیست مورد) مشاهده نمی‌کنیم که این مورد از آسیب‌های تفسیر روایی محسوب می‌شود.

کتابنامه

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن‌الجوزی الحنفی، یوسف، بی‌تا: تذکرة الخواص، تهران: مکتبة نینوی الحدیثة.
- ۳- ابن‌کنیر دمشقی، اسماعیل، ۱۴۱۹: تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیة منشورات محمدعلی بیضون.
- ۴- ابن‌منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴: لسان العرب، بیروت: دار صادر، چاپ سوم.
- ۵- افندی اصفهانی، میرزا عبدالله، ۱۴۰۱: ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، قم: مطبعة الخیام.
- ۶- بحرانی، سید هاشم، ۱۴۱۹: البرهان، بیروت: مؤسسة الاعلمی.
- ۷- _____، ۱۴۱۳: مدینة المعجز الاثمة الاثنی عشر، قم: مؤسسة المعارف الاسلامیة.
- ۸- بلاغی، سید عبدالحجت، ۱۳۸۶: حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر، قم: انتشارات حکمت.
- ۹- بهشتی دامغانی، ابراهیم، ۱۳۹۰: اخباریگری (تاریخ و عقاید)، قم: پژوهشکده علوم و معارف حدیث.
- ۱۰- تهرانی، شیخ آقابزرگ، ۱۴۰۸: الذریعة إلى تصانیف الشیعة، قم: اسماعیلیان.
- ۱۱- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹: وسائل الشیعه، قم: آل‌البتیة.
- ۱۲- زحیلی، وهبة بن مصطفى، ۱۴۱۸: التفسیر المنیر فی العقیة و الشریعة و المنهج، بیروت: دار الفکر المعاصر.
- ۱۳- سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۰۴: الدر المنثور، قم: کتابخانه آیه‌... مرعشی.
- ۱۴- شیبانی، محمد حسن، ۱۴۱۳: نهج البیان عن کشف معانی القرآن، تهران: بنیاد دایرة‌المعارف الاسلامی.
- ۱۵- صفار، محمدحسن، ۱۴۰۴: بصائر الدرجات، قم: کتابخانه آیه‌الله مرعشی.
- ۱۶- طبرسی، فصل بن حسن، ۱۳۷۲: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- ۱۷- طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵: مجمع البحرین، تهران: کتابفروشی مرتضوی.

- ۱۸۔ فتال نیشابوری، محمد بن حسن، بی‌تا: روضة الواعظین، قم: انتشارات رضی.
- ۱۹۔ مهیار، رضا، بی‌تا: فرهنگ ابجدی، بی‌جا: بی‌نا.
- ۲۰۔ نجفی، محمدحسن، ۱۳۹۲: جواهر الکلام، تهران: دارالکتب الاسلامیة، چاپ هفتم.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی